


## ساختارشناسی اوزان رایج و وزن‌های نوپدید در شعر فارسی

محمدامیر جلالی \*  استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ساختار وزن‌های رایج و نیز وزن‌های تازه‌ساخت در شعر کلاسیک و معاصر فارسی و نیز طبقه‌بندی تازه‌ای از انواع وزن‌ها و سپس فرمول‌بندی زیرشاخه‌ها و گونه‌های وزنی هر یک از این انواع می‌پردازد. پیش از این، وزن‌ها به دو یا سه نوع و در جدیدترین تقسیم‌بندی به پنج نوع «متحدالارکان»، «متفق‌الارکان»، «متناوب‌الارکان»، «متشابه‌الارکان» و «مختلف‌الارکان» تقسیم شده‌اند. حال آنکه اوزانی تازه‌ساخت وجود دارد که در هیچ یک از این طبقه‌بندی‌ها نمی‌گنجد؛ برای نمونه وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فع|| فاعلن فع» در شعر سیمین بهبهانی. نگارنده این اوزان را به عنوان ششمین دسته از وزن‌های شعر فارسی، اوزان «مُستزادالارکان» نامیده است. بخش نخست نگاشته حاضر به پاسخگویی به این پرسش می‌پردازد که شاعران مبتکر از گذشته تا به امروز با چه شگردهایی دست به خلق اوزان تازه زده‌اند و نشان داده شده است که وزن‌های تازه عروضی در هر دوره از تاریخ شعر فارسی بر پایه همان وزن‌های مشهور و به هشت شیوه ساخته شده‌اند: ۱- کاهش، ۲- افزایش، ۳- تکرار، ۴- جابه‌جایی، ۵- تغییر، ۶- تلفیق، ۷- ابداع و ۸- ترکیب. در بخش دوم مقاله با توجه به نتایج بخش نخست و دقت در ساختار وزن‌های رایج و اوزان تازه‌ساخت به فرمول‌بندی انواع شش‌گانه اوزان شعر فارسی با حروف  $y, Y, x, X, z, Z, \bar{y}, \bar{Y}, \bar{x}, \bar{X}$  پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** عروض، ارکان عروضی، وزن‌های تازه، ساختار وزن‌ها، طبقه‌بندی وزن‌ها.

\* نویسنده مسئول: mohammadamir\_jalali@yahoo.com

## مقدمه

در دستگاه زایای وزن شعر فارسی، رسیدن تعداد وزن‌های عروضی از قریب ۳۰ وزن در اشعار رودکی، مسعود سعد، خاقانی و... (ر.ک فرزاد ۱۳۴۹ ب و وحیدیان کامیار، ۱۳۸۹) به ۴۸ وزن در اشعار فارسی مولوی (جلالی، ۱۳۹۶)، ۶۰ وزن در غزل‌های حسین منزوی (فیروزیان، ۱۳۹۰) و ۱۱۸ وزن در سروده‌های سیمین بهبهانی (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۹) و در مجموع به بیش از ۳۰۰ وزن بالفعل شعری تا به امروز، ناشی از ساخته شدن وزن‌هایی تازه و نوپدید در طول تاریخ شعر فارسی است. به راستی این وزن‌های تازه به چه شیوه‌هایی ساخته شده‌اند و شاعران مبتکر با چه روش‌هایی دست به خلق اوزان تازه زده‌اند؟ بحث از چگونگی ساخت اوزان تازه در تاریخ شعر پارسی، دو نتیجه مهم در پی دارد: ۱- توصیف و طبقه‌بندی‌ای از شیوه‌های ساخت وزن‌های نوپدید به دست می‌دهد و ۲- قوانین و قواعدی به دست می‌دهد تا پیش‌بینی شود که در دستگاه زایای وزن شعر فارسی، وزن‌های بالقوه چگونه می‌توانند پدید بیایند.

### ۱. پرسش‌ها و فرضیه پژوهش

- وزن‌های تازه در طول تاریخ شعر فارسی چگونه ساخته شده‌اند و از چه ساختارهای مشترکی پیروی می‌کنند؟

- آیا وزن‌هایی وجود دارد که ذیل طبقه‌بندی‌های مرسوم قابل طبقه‌بندی نباشند؟

- آیا می‌توان تمامی وزن‌های شعر فارسی را با علائم  $X$ ،  $Y$  و... توصیف و فرمول‌بندی کرد؟

فرضیه نگارنده این بوده است که اوزانی وجود دارند که ذیل تعاریف و توصیفات رایج از انواع وزن شعر نمی‌گنجند؛ با وجود این، اوزان شعری از جمله وزن‌های تازه ساخت در طول تاریخ شعر پارسی از قوانینی قاعده‌مند پیروی می‌کنند به گونه‌ای که می‌توان آن‌ها را با استفاده از علائمی مانند  $X$ ،  $Y$  و... توصیف و طبقه‌بندی کرد.

## ۲. مبنای نظری و سخنی دربارهٔ تعدد امکانات رکن‌بندی و تعیین وزن

در پژوهش حاضر معیار توصیف اوزان، نه «بحور» و نه «دوایر عروضی» بلکه ساختار هجایی وزن و دقت در سرضرب‌های موسیقایی وزن به عنوان معیاری مهم در رجحان یک رکن‌بندی بر دیگر رکن‌بندی‌های ممکن بوده است.

مسئلهٔ امکان رکن‌بندی‌های مختلف، هم در عروض قدیم و هم در عروض جدید وجود داشته و دارد. نگارنده بر آن است که اگر شیوهٔ رکن‌بندی بر پایهٔ اصل قرارداد این نکته باشد که وزن تازه را به گونه‌ای رکن‌بندی کنیم که دارای بیشترین شباهت با وزن‌های مشهور و شناخته‌شدهٔ قبلی باشد، خواهیم دید که شیوهٔ پدیدآمدن وزن‌های تازه ساخت را می‌توان ذیل هشت شیوه، توصیف کرد. قاعدهٔ مهمی که برای رجحان یک شیوه بر شیوهٔ دیگر می‌توان در نظر گرفت این است که اگر پدیدآمدن یک وزن تازه را بتوان به چند شیوه توضیح داد، رجحان با ساده‌ترین روش توصیف است. پیشاپیش باید گفت ولو خواننده با شیوهٔ نگارنده در رکن‌بندی برخی از اوزان تازه همداستان نباشد، این اوزان به هر شیوهٔ متعارف دیگری که رکن‌بندی شوند از هشت شیوهٔ یادشده در این پژوهش خارج نخواهد بود.

## ۳. پیشینهٔ پژوهش

بحث از ساخت اوزان تازه را در کهن‌ترین کتاب‌های بازمانده دربارهٔ عروض مانند «المعجم» شمس قیس می‌توان دید (شمس قیس، ۱۳۸۸). در میان پژوهش‌های عروضی امروز نیز با آنکه مسئلهٔ طبقه‌بندی اوزان یکی از دغدغه‌های عروضیانی همچون مسعود فرزاد، خانلری، وحیدیان کامیار، ابوالحسن نجفی و... بوده به تیین چگونگی ساخت وزن‌های تازه و طبقه‌بندی ساختارهای مختلف انواع وزن‌ها به شکل مستقل پرداخته نشده است.

## ۴. بحث و بررسی

### ۴-۱. تعداد وزن‌های شعر فارسی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دستگاه وزن شعر فارسی، قدرت زایایی آن است. شمیسا تعداد اوزان بالفعل شعر فارسی را حدود ۳۰۰ (شمیسا ۱۳۹۴) و نجفی این تعداد را مطمئناً افزون بر ۴۰۰ دانسته است (نجفی، ۱۳۹۴ ب). نجفی اوزان قاعده‌مند شعر فارسی را تا ۶۰۰

وزن نیز قابل گسترش می‌دانست (نجفی ۱۳۹۴ الف. در جای دیگر تا ۸۰۰ وزن گفته است. همان). برای پاسخ به این پرسش که تعداد وزن‌های شعر فارسی چگونه به بیش از ۳۰۰ وزن بالفعل شعری تا به امروز رسیده است و این وزن‌های تازه با چه قواعدی پدید آمده‌اند، ابتدا باید نگاهی به «ارکان» و «انواع وزن» بیندازیم.

#### ۴-۲. ارکان عروضی رایج در شعر فارسی

در عروض جدید فارسی رکن‌ها براساس تعداد هجاهای آن‌ها طبقه‌بندی می‌شوند.<sup>۱</sup>

یک‌هجایی	دو‌هجایی	سه‌هجایی	چهارهجایی	پنج‌هجایی
فَع -	فَعْلُن - -	مَفْعُولن - - -	مَفَاعِلُن U - - -	مُتَفَاعِلُن UU - U -
	فَعْل U -	فَعُولُن U - -	فَاعِلَاتُن U - -	مَفَاعِلَاتُن U - UU -
		فَاعِلُن U -	مُسْتَفْعِلُن - U -	مُسْتَفْعِلَاتُن - U - -
		مَفْعُولُ - U -	فَعْلَاتُن UU - -	مُتَفْعِلَاتُن - UU - -
		فَعْلُن UU -	مَفَاعِلُن U - U -	مَفَاعِلَاتُن U - U - -
		فَاعِلُ UU -	مَفَاعِلَاتُن U - - U -	فَاعِلِيَاتُن U - - -
			مُتَفْعِلُن - UU -	فَعْلِيَاتُن UU - - -
			فَاعِلَاتُ U - U -	مُسْتَفْعِلَاتُن - UU - -
			مُسْتَفْعِلُ - UU -	مَفَاعِلَاتُن U - - U -
			فَعْلَاتُ UU - U -	فَاعِلَاتَاتُن U - U - -
			مَفْعُولَاتُن - - - -	

۱- ابوالحسن نجفی به ۲۳ رکن در شعر فارسی قائل بود و براساس این ۲۳ رکن ۱۸۰ وزن فارسی را توصیف کرده بود. وی بر آن بود که می‌توان به شکل نظری تعداد رکن‌ها را تا ۳۶ رکن نیز افزایش داد (ر.ک قهرمانی مقبل، ۱۳۸۹).  
 ۲- رکن «مستفعلاتن» و امثال آن «مفاعلاتن» و «مفتعلاتن» و... به‌عنوان رکن مستقل از دید نگارنده براساس سرضرب‌های برخی از اوزان قابل پذیرش است. چنانکه غزل «حدی ندارد در خوش لقایی» (مولوی) را بهتر است پیوسته خواند و وزن آن را به «مستفعلاتن مستفعلاتن» رکن‌بندی کرد (سرضرب‌ها در هجای نخستین هر رکن) و غزل «درمان نکردند، مسکین غریبان» (حافظ) را (باتوجه به هجای کشیده نیم‌مصراع) با ریتمی متفاوت یعنی با مکتبی به قدر یک هجای سکوت بعد از هر نیم‌مصراع خواند و این‌گونه رکن‌بندی کرد: «مستفعلن فع [آتن] مستفعلن فع [آتن]» (سرضرب‌ها در هجای نخستین هر رکن). رکن‌بندی به «فع لن فعولن / فع لن فعولن» سرضرب‌ها را نمی‌تواند به‌خوبی نشان دهد. همین‌گونه است رجحان رکن‌بندی وزن «مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن» (مولوی، ۱۳۸۶) بر «مفتعلن فع مفتعلن فع مفتعلن فع» براساس سرضرب‌ها.



- ارکان معیار: ارکان سه، چهار یا پنج هجایی که در تقطیع معیار به کار می‌روند و با توجه به قواعد اختیارات شاعری بر جایگزین‌های خود رجحان دارند (مانند فاعلن، مستفعلن، فاعلاتن، فعلاتن، مفتعلن، متفاعلن).

- ارکان جایگزینی: ارکانی که در وزن معیار ظاهر نمی‌شوند و به خاطر اختیارات شاعری جایگزین ارکان معیار می‌شوند (مانند «مفعولن» که در وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» می‌تواند جایگزین «مفتعلن» شود).

- ارکان اشتقاقی: ارکانی یک هجایی (مانند فع)، دو هجایی (مانند فَعْل، فَعْلُن) و گاهی سه هجایی (مانند فعولن، فاعلن، فعلن، مفعولن) که تنها در پایان مصراع یا پایان نیم مصراع اوزان دوری ظاهر می‌شوند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۳. تقسیم‌بندی‌های گذشته از انواع وزن‌ها

پیش از این، وزن‌ها به سه (یا دو) نوع تقسیم می‌شدند: «متحدالارکان» (یا «متفق‌الارکان»)، «متناوب‌الارکان» و «مختلف‌الارکان»<sup>۲</sup> اما قهرمانی مقبل وزن‌های شعر فارسی را به پنج دسته تقسیم می‌کند<sup>۳</sup> (قهرمانی مقبل، ۱۳۸۹):

- وزن‌های متحد‌الارکان: اوزانی که از ارکان معیار یکسان پدید آمده و دارای رکن اشتقاقی نباشند؛ مانند: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن».

- وزن‌های مُتَّفِقِ‌الارکان: اوزانی که از ارکان معیار یکسان پدید آمده و رکن پایانی آن‌ها رکنی اشتقاقی باشد؛ مانند: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن».

۱- البته رکن‌های «فعلن» و «فعلُن» رکن‌های معیار نیز می‌توانند باشند: در وزن‌هایی مانند «فعلن فعلن فعلن فعلن» و «فعلن فعلن فعلن فعلن»

۲- با وجود کوشش برخی از عروضیان جدید مانند شمیسا و وحیدیان کامیار همه وزن‌ها را نمی‌توان به صورت «متحدالارکان» و یا «متناوب‌الارکان» رکن‌بندی کرد و وجود اوزان مختلف‌الارکان را باید پذیرفت.

۳- تفاوت قائل شدن میان اوزان «متحدالارکان» و «متفق‌الارکان» و نیز «متشابه‌الارکان» و «متناوب‌الارکان» براساس «روساخت» وزن‌ها است. اینکه برخی از عروضیان وزنی مانند «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» را «متحدالارکان» و «مفاعلن فاعلاتن مفاعل فعلن» را «متناوب‌الارکان» محسوب می‌کنند با نگاه به «ژرف‌ساخت» و وزن اصلی و البته فرضی آن‌ها در دایره عروضی؛ یعنی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» و «مفاعلن فاعلاتن / مفاعلن فاعلاتن» است. با این توضیح، وزنی مانند «مفتعلن مفاعلن» (الهیاری، ۱۳۹۴) براساس «ژرف‌ساخت»، «متناوب‌الارکان» است و براساس «روساخت»، «مختلف‌الارکان».

- وزن‌های متناوبُ الارکان: اوزانی که از ارکان معیار به صورت متناوب پدید آمده باشد و دارای رکن اشتقاقی نباشند؛ مانند «مفاعِلن فَعَلاتِن / مفاعِلن فَعَلاتِن».

- وزن‌های مُتَشابه الارکان: اوزانی که از ارکان معیار به صورت متناوب پدید آمده باشند و رکن پایانی آن‌ها رکنی اشتقاقی باشد؛ مانند: «مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلن».

- وزن‌های مختلف الارکان: اوزانی مسدّس که از سه رکن متفاوت پدید آمده باشند به گونه‌ای که رکن سوم آن نه همانند رکن اول، و نه از آن مشتق شده باشد؛ مانند: «مستفَعَلُ مستفَعِلن فعولن»<sup>۱</sup>

#### ۴-۴. وزن‌هایی با ساختارهای تازه که در تعاریف رایج نمی‌گنجند

هم در شعر کلاسیک و هم در شعر امروز وزن‌های تازه‌ای ساخته شده‌اند که برخی در طبقات گذشته نمی‌گنجند و برخی نیز دارای ساختارهایی هستند که قرارداد آن‌ها در طبقات وزنی پیشین نیازمند بازتعریفی در انواع وزن است. برای نمونه وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع / مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع» (سرودهٔ محمدسعید میرزایی. ر.ک وحیدیان، ۱۳۸۹) که نوعی تازه از وزن «متشابه‌الارکان» است.<sup>۲</sup> یا وزنی مانند «مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلاتِن (= مفاعیلن فع)» (شهریار، ۱۳۷۶) که آن را نیز می‌توان گونهٔ جدیدی از وزن «متناوب‌الارکان» دانست که برخلاف اوزان رایج، هجایی بر رکن پایانی افزوده شده است. یا وزن «مفتعلاتِن مفاعلاتِن» (مسعود سعد، ۱۳۹۰) و «مستفعلاتِن مفاعلاتِن» (فرّخی سیستانی، ۱۳۸۰) که با وجود دو رکنی بودن، آن‌ها را باید وزن «مختلف‌الارکان» دانست. همچنین است اوزان دیگری که نگارنده آن‌ها را اوزان «مُسْتَرادالارکان» می‌نامد.

#### ۴-۴-۱. اوزان مُسْتَرادالارکان

«اوزان مُسْتَرادالارکان» اوزانی هستند متشکل از دو پارهٔ مشابه، اما نامساوی که سکوت و مکثی به قدر یک یا چند هجا، پارهٔ بلندِ نخست را (که خود مستقلاً وزنی سه یا چهار رکنی متفق‌الارکان، متشابه‌الارکان یا مختلف‌الارکان است) از پارهٔ کوتاه شدهٔ دوم جدا

۱- همان وزن کهن «مفعولُ مفاعیلُ فاعلاتِن»

۲- قالب این سروده «غزل» است و نه «چهارپاره». برای دیدن شواهد شعری این مبحث به جدول پایان مقاله حاضر رجوع شود.

می‌کند: «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلنُ || مفعولُ فاعلنُ». این گونه وزن‌ها در واقع از تکرار پارهٔ نخست و سپس کاهش هجا یا هجاهایی از پایان پارهٔ دوم ساخته می‌شوند:

«فاعلن فاعلن فاعلن فع || فاعلن فع» (= فاعلن فاعلن فاعلاتن || فاعلاتن):

کفش فرسوده‌اش خوانده در گوش، ماجرای رنج بیهوده‌اش بسته بر دوش کوله‌باری  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

«مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلنُ || مفعولُ فاعلنُ»:

این چشم‌های خامشِ بارانی چونان دو لگه ابر بارید در هوای تو پنهانی دُردانه‌های درد  
(همان: ۷۹۲)

دقت شود که قالب شعر، در این موارد غزل است و نه مُستزاد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۵. انواع وزن‌های شعر فارسی براساس وزن‌های تازه‌ساخت

باتوجه به آنچه گذشت، وزن‌های شعر فارسی شش نوع هستند: «متحدالارکان»، «متفوق‌الارکان»، «متناوب‌الارکان»، «متشابه‌الارکان»، «مختلف‌الارکان» و «مستزادالارکان». اما بازتعریف وزن «مختلف‌الارکان» با توجه به مصادیق یادشده: وزنی متشکل از دست‌کم دو رکن مختلف که باتوجه به ریتم و سرضرب‌های موسیقایی به هیچ‌یک از شیوه‌های پیشین قابل رکن‌بندی نبوده و در اوزان سه رکنی، رکن سوم تکرار رکن اول یا رکن کوتاه‌شدهٔ آن نباشد.

نکته‌ای که باید مدنظر قرار گیرد، آن است که وزن حاصل از تکرار یکی از انواع وزن (چه تکرار وزن یک مصراع، چه تکرار یک نیم‌مصراع) به‌عنوان همان نوع از وزن

۱- نگارنده پیش از این، وزن‌های «فعولن مستفعلن فعولن فعلن» (خواجو: ۳۳۴)، «مفتعلاتن فعلاتن مفتعلاتن فع» (همان: ۲۹۵)، «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فعلن» (همان: ۹۵۸)، «مستفعلن فعلاتن مستفعلن فعلن» (همان: ۱۰۶۳) و «مفاعلاتن مفعولن مفاعلاتن فعلن» (منزوی، ۱۳۸۵) را نیز از انواع وزن‌های «مستزادگونه» خوانده بود (جلالی، ۱۳۹۶)، اما باید آن‌ها را باتوجه به ساختمان وزن از انواع اوزان «متشابه‌الارکان» بدانیم؛ با وجود اینکه برخی از این اوزان (دو وزن آخر) پیش‌نمونهٔ «متناوب‌الارکان» ندارند.



باید شناخته شود. چنانکه ZYX/ZYX وزن مختلف الارکان و YX/YX/YX متناوب الارکان است.

### ۵. شیوه‌های ساخت وزن‌های تازه در شعر فارسی

برای ساخت اوزان بی‌قاعده (برای نمونه، ترکیب پاره‌های غیرعروضی با پاره‌های عروضی و نیز اوزان نامطبوعی که القای موسیقی نمی‌کنند) حد و مرزی نمی‌توان تصور کرد، اما می‌توان به این پرسش پاسخ گفت که وزن‌های قاعده‌مند و تازه‌ساخت عروضی چگونه پدید آمده‌اند و چگونه می‌توانند پدید بیایند. اگر از آغاز شعر فارسی تا به امروز، وزن‌های مشهور و رایج در هر دوره را ملاک قرار دهیم در مقایسه با این وزن‌ها می‌توان گفت که وزن‌های تازه عروضی بر پایه یا به قیاس همان وزن‌های مشهور قبل از خود و به هشت شیوه ساخته شده‌اند: ۱- کاهش، ۲- افزایش، ۳- تکرار، ۴- جابه‌جایی، ۵- تغییر، ۶- تلفیق، ۷- ابداع و ۸- ترکیب.

#### ۱-۵. کاهش

قاعده «کاهش» به دو شکل انجام می‌شود: ۱- کاهش هجا و ۲- کاهش رکن.

#### ۱-۱-۵. کاهش هجا

#### ۱-۱-۱-۵. کاهش هجا از پایان وزن متحدالارکان

چنانکه از وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن» (خواجو: ۴۴۲)، وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فع» پدید آمده است:

بسهته دامن رنج و عنایم      خسته درد فقیر و فنامیم  
(میرزا حبیب خراسانی، ۱۳۵۳)

#### ۱-۱-۲-۵. کاهش هجا از رکن‌های دوم و چهارم وزن متحدالارکان

مانند وزن «مفاعیلن فعولن / مفاعیلن فعولن» از وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»:

الای باد شبگیر، ازین شخص زمین گیر      بیر نام و خبر گیر، زیار نامدارا  
(بهار، ۱۳۸۷)

### ۵-۱-۱-۳. کاهش هجا از پایان وزن متشابه‌الارکان

مانند وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن» از وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع» (رودکی، ۱۳۸۷):

صبر کنم با جهان از آنکه همی      کار نیاید نکوبه تنگ‌دلی  
(ناصر خسرو، ۱۳۶۸)

### ۵-۱-۱-۴. کاهش هجا از رکن چهارم وزن متناوب‌الارکان

مانند وزن «فاعلاتُ فاعلاتن فاعلاتُ فاعلن» از وزن «فاعلاتُ فاعلاتن / فاعلات فاعلاتن»:

دلَم از میانه گم شد عوضش چه یافتم      که نه حاصلم همین بس که تو دلبر منی  
(خاقانی، ۱۳۷۵)

همچنین وزن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فعلن» (بهبهانی، ۱۳۹۴) از وزن «مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن» (بهار، ۱۳۸۷)، وزن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فعلن» (بهبهانی، ۱۳۹۴) از وزن «مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن» (صفای اصفهانی، ۱۳۳۷)، وزن «مفتعلاتن فاعلاتن مفتعلاتن فع» (خواجوی کرمانی) از «مفتعلاتن فاعلاتن / مفتعلاتن فاعلاتن» (مولوی، ۱۳۸۶) و دو وزن «فعولن مستفعلن فعولن فعلن» (خواجوی کرمانی: ۳۳۴) و «مفاعلاتن مفعولن مفاعلاتن فعلن» (منزوی، ۱۳۸۵) نیز با وجود نداشتن پیش‌نمونه متناوب‌الارکان، دارای همین ساختار هستند.

### ۵-۱-۱-۵. کاهش هجا از پایان رکن‌های دوم و چهارم وزن متناوب‌الارکان

مانند وزن «مستفعلن فَعَل / مستفعلن فَعَل» از «مستفعلن فَعَلن / مستفعلن فَعَلن» (امیر معزی، ۱۳۶۲):

با سِروِ قامتِ شمشادِ گو مروی      با ماهِ طلعتِ خورشیدِ گو متاب  
(خواجو: ۱۸۷)

### ۵-۱-۱-۶. کاهش هجا از پایان وزن متشابه‌الارکان

مانند وزن «مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فع» از وزن «مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فعلن [= فعلن]»:

ز هیچ چیز نترسد بسان نیزه      ز هیچ باک ندارد بسان خنجر  
(مسعود سعد، ۱۳۹۰)

۷-۱-۱-۵. کاهش هجا از پایان رکن دوم وزن متشابه‌الارکان  
مانند وزن «مفتعلن فاعلن مفتعلن فع» از وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع»:

سخت به جوشی دلا؛ نرمترک باش      باش که تا گل کند بوتۀ خشخاش  
(بهبهانی، ۱۳۹۵)

#### ۲-۱-۵. کاهش رکن

مانند وزن «فاعلات مفتعلن فع»<sup>۱</sup> که از حذف رکن آغازین وزن «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» (حافظ، ۱۳۷۷) ساخته شده است:

هر کجا که سجده عشق است      کفر، ره نبرده در ایمن  
(الهیاری، ۱۳۹۴)

همچنین ر.ک ش ۲-۲-۸-۵. سیمین بهبهانی این وزن را به صورت متناوب دارد: «فاعلات مفتعلن فع / فاعلات مفتعلن فع» (بهبهانی، ۱۳۹۵) که می‌توان آن را به صورت «فاعلات مفتعلاتن / فاعلات مفتعلاتن» نیز رکن‌بندی کرد و به شیوه افزایش هجا به پایان نیم‌مصراع‌های وزن متناوب‌الارکان «فاعلات مفتعلن / فاعلات مفتعلن» توضیح داد.

#### ۲-۵. افزایش

#### ۱-۲-۵. افزایش هجا

۱-۱-۲-۵. افزایش هجا به تمامی رکن‌های وزن متحدالارکان  
مانند وزن «مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن»<sup>۱</sup> (مفاعله + فع) از وزن کهن «مفاعله مفاعله مفاعله مفاعله» (خاقانی، ۱۳۷۵):

---

۱- یا «فاعلات مفتعلاتن».

کهن دیارا! دیارِ یارا! دل از تو کندم ولی ندانم      که گر گریزم، کجا گریزم؛ و گر بمانم، کجا بمانم  
(نادرپور، ۱۳۶۰)

همچنین وزن «مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن» (مولوی، ۱۳۸۶) از وزن «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (خاقانی، ۱۳۷۵)، یا وزن «فعلیاتن فعلیاتن فعلیاتن فعلیاتن» (مهرداد اوستا؛ ر.ک وحیدیان، ۱۳۸۹) از وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن»، یا وزن «متفاعلاتن متفاعلاتن» (مولوی، ۱۳۸۶) از وزن «متفاعلن متفاعلن» (همان: ۱۲۸۴) و نیز «مفاعلاتن مفاعلاتن» (رودکی. فرزاد، ۱۳۴۹ ب) و «مفتعلاتن مفتعلاتن» (خواجو: ۳۱۷) با نبود پیشینه.

#### ۲-۱-۲-۵. افزایش هجا به رکن اول و سوم وزن متحدالارکان

مانند وزن زیبای «مفاعلاتن مفاعلن / مفاعلاتن مفاعلن» از وزن «مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن» (خاقانی، ۱۳۷۵):

دوباره می سازم وطن، اگرچه باخشت جان خویش      ستون به سقف تو می زنم، اگرچه با استخوان خویش  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

همچنین وزن «مفتعلاتن مفتعلن / مفتعلاتن مفتعلن» (خواجو: ۲۸۰) از وزن «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» (خاقانی، ۱۳۷۵).

#### ۳-۱-۲-۵. افزایش هجا به رکن دوم و چهارم اوزان متحدالارکان

مانند وزن «فاعلاتن فاعلیاتن / فاعلاتن فاعلیاتن» (= «فاعلاتن فاعلاتن فع / فاعلاتن فاعلاتن فع»):

اسب می نالید می لرزید... سرفه ها اسفنج و خون می شد      هر نفس بر لب چو می آمد از جگر لختی برون می شد  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

---

۱- غزل مشتاق اصفهانی «مخوان ز دیرم، به کعبه زاهد که برده از کف دل من آنجا...» را اگر با مکتب بخوانیم (باتوجه به بیت پایانی: «همین نه مشتاق، در آرزویت...») باید «مفاعلن فع...» رکن بندی کرد و اگر مصحح بر خطا رفته و «همین نه مشتاق از آرزویت» صحیح باشد باتوجه به سرضربها باید «مفاعلاتن...» رکن بندی شود.

یا وزن «فعلاتن فعلیاتن / فعلاتن فعلیاتن» (= فعلاتن فعلاتن فع / فعلاتن فعلاتن فع) (همان: ۸۱۷) و «فعلن فعلاتن / فعلن فعلاتن» (= فعلن فعلن فع / فعلن فعلن فع) (همان: ۹۳۵).

#### ۴-۱-۲-۵. افزایش هجا به پایان وزن متحدالارکان

مانند وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع» از وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» فاعلاتن:

از خزانِ خود چرانالم به کافر نعمتی؟ وقتی با خزانم نیز باغ دوست را چشم خریلاری ست  
(منزوی، ۱۳۸۹)

#### ۲-۲-۵. افزایش هجا به وزن متناوب الارکان

##### ۱-۲-۲-۵. افزایش هجا به پایان هر دو نیم مصرع وزن متناوب الارکان

مانند «مفاعله فعلیاتن / مفاعله فعلیاتن» (= «مفاعله فعلاتن فع / مفاعله فعلاتن فع») از وزن مشهور «مفاعله فعلاتن / مفاعله فعلاتن»:

خیالِ خامِ پلنگِ من به سوی ماه جهیدن بود و ماه راز بلسایش به سوی خاک کشیدن بود  
(همان: ۳۱۳)

نیز وزن «فعلاتُ فاعلیاتن / فعلاتُ فاعلیاتن» (بهبهانی، ۱۳۹۴) از وزن «فعلاتُ فاعلاتن / فعلاتُ فاعلاتن» و وزن «فاعلاتُ مفتعلاتن / فاعلاتُ مفتعلاتن» (اخوان ثالث، ۱۳۷۶) از وزن «فاعلاتُ مفتعلن / فاعلاتُ مفتعلن» (بیدل، ۱۳۶۶). همین گونه است وزن «فاعله فاعله / فاعله فاعله» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۶) از وزن «فاعله فعل / فاعله فعل» (اوحدی، ۱۳۴۰).

#### ۲-۲-۲-۵. افزایش هجا به پایان رکن‌های اول و سوم وزن متناوب الارکان

مانند «مفتعلاتن مفاعله / مفتعلاتن مفاعله» از وزن مشهور «مفتعلن مفاعله / مفتعلن مفاعله»:

گوشه چشم ستاره‌یی ست دیده‌ای آن را؟ ندیده‌ام جبه‌انگور از آسمان دست فرابرده چیده‌ام  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

۳-۲-۲-۵. افزایش هجا تنها به یک نیم‌مصراع وزن متناوب‌الارکان

۱-۳-۲-۲-۵. افزایش هجا به پایان رکن دوم وزن متناوب‌الارکان

مانند وزن «مستفعلن فعلاتن مستفعلن فَعْلُن» از وزن «مستفعلن فَعْلُن / مستفعلن فَعْلُن» (امیر معزی، ۱۳۶۲):

جز غمگانه چه گوید باخیل سوختگان      این آفتاب مکرر این آسمان قدیم  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

۲-۳-۲-۲-۵. افزایش هجا به پایان رکن چهارم وزن متناوب‌الارکان

مانند وزن «مفعولُ مفاعیلن، مفعولُ مفاعیلاتن [مفاعیلن فع]» از وزن «مفعولُ مفاعیلن، مفعولُ مفاعیلن» (حافظ، ۱۳۷۷):

گیرم که پریدم من، ای شاخه شمشاد از تو      تو سروی و من سایه، مشکل شوم آزاد از تو  
(شهریار، ۱۳۷۶)

۴-۲-۲-۵. افزایش هجا به وزن متشابه‌الارکان

مانند وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فعلن» از وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع»:

مثل گلی نوش‌کفته در وسط پاییز      آمدنت آخرین تلاش بهاران است  
(منزوی، ۱۳۸۹)

۳-۲-۵. افزایش رکن

۱-۳-۲-۵. افزایش رکن به پایان وزن متحد‌الارکان

مانند وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعلن» با افزودن رکن «فعلن» به وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن»:

با سنگ‌های گویم آن رازی که باید با تو می‌گفتم      سنگین دلا دست چرادستی ازین تهنانی گیرد؟  
(همان: ۸۶)

### ۵-۲-۳. افزایش رکن اصلی به وزن متفق الارکان

مانند وزن «فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن» از وزن «فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن» (ابتهاج، ۱۳۷۸):

بی تو من شبانه با که با که گهت و گو کنم؟ ای حریف صحبت شبانه های من! بمان  
(همان: ۳۵۱)

همین گونه است وزن «فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن» (آزاد عباسی، ر.ک و حیدیان، ۱۳۸۹) و یا وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن» (الهیاری، ۱۳۹۴) از وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن» (نیمایوشیج، ۱۳۶۴).

### ۵-۳-۳. افزایش رکن پس از رکن های دوم و چهارم وزن متناوب الارکان

مانند وزن «فاعلاتُ مفتعلن فعلن / فاعلاتُ مفتعلن فعلن» از وزن «فاعلاتُ مفتعلن / فاعلاتُ مفتعلن» (بیدل، ۱۳۶۶):

دل گواهنامه نا کامان زخمگاه دشته دشنامان هیچ گوشه زین ورق خونین مهر نانهاده نمی بینم  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

و نیز وزن «فعلن فعلن فعلن / فعلن فعلن فعلن» (همان: ۵۳۶) و «فعلن فعلن مفتعلن / فعلن فعلن مفتعلن» (همان: ۶۲۷) از وزن «فعلن فعلن / فعلن فعلن» (مولوی، ۱۳۸۶).

### ۵-۳. تکرار

یکی از شیوه های پر کاربرد در شعر امروز برای ساخت اوزان جدید، تکرار کامل یک وزن یا تکرار وزن یک نیم مصرع وزن متناوب الارکان و ساخت وزنی طولانی است.

### ۵-۳-۱. تکرار کامل یک وزن متحد الارکان

چنانکه از وزن «فعلن فعلن فعلن فعلن» (مولوی، ۱۳۸۶) وزن «فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن»<sup>۱</sup> ساخته شده است:

۱- این دو وزن را می توان به «متفاعلتن متفاعلتن» و «متفاعلتن متفاعلتن متفاعلتن متفاعلتن متفاعلتن» نیز رکن بندی کرد، اما سر ضرب های وزن را به درستی نمایش نمی دهد.





### ۵-۳-۴. تکرار یک نیم‌مصرع وزن متناوب‌الارکان

مانند وزن «مفاعِلن فَعَلاتِن / مفاعِلن فَعَلاتِن / مفاعِلن فَعَلاتِن» (سروده حسین صفا، ۱۳۹۳) از وزن مشهور «مفاعِلن فَعَلاتِن / مفاعِلن فَعَلاتِن» (ر.ک جدول پایانی) و نیز وزن «فاعلاتُ مفعولن / فاعلاتُ مفعولن / فاعلاتُ مفعولن» (عماد خراسانی، ۱۳۷۵) از وزن «فاعلاتُ مفعولن / فاعلاتُ مفعولن» (حافظ، ۱۳۷۷).

### ۵-۳-۵. تکرار وزن متشابه‌الارکان

مانند وزن «فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلن / فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلن» (سروده حسن باقری. ر.ک وحیدیان، ۱۳۸۹) از وزن رایج «فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلن» (ر.ک جدول پایانی) و نیز وزن «مستفَعَلن مفاعِلُ مستفَعَلن فَعَل / مستفَعَلن مفاعِلُ مستفَعَلن فَعَل» (فاطمه خنیا و وحیدیان، ۱۳۸۹) (از «مستفَعَلن مفاعِلُ مستفَعَلن فَعَل» یا «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعِلن»).

### ۵-۴. جابه‌جایی

در این شیوه، رکن‌های وزنی مشهور برای ساخت وزنی تازه جابه‌جا می‌شود. برای نمونه وزن «فَعَلاتِن مفاعِلن / فَعَلاتِن مفاعِلن» از وزن «مفاعِلن فَعَلاتِن / مفاعِلن فَعَلاتِن» (رودکی؛ فرزاد، ۱۳۴۹ب):

گنری کن به کوی من نظری کن به سوی من      بنگر تابه روی من چه رسید از برای تو  
(خاقانی، ۱۳۷۵)

یا وزن «مفتَعَلن مفتَعَلن فاعلاتُ فَع» (بهار، ۱۳۸۷) از وزن «مفتَعَلن فاعلاتُ مفتَعَلن فَع».

### ۵-۵. تغییر

شیوه «تغییر» به معنای تغییر دادن یک رکن و استفاده از رکنی دیگر در یک وزن مشهور است. این شیوه بیشتر در وزن‌های متناوب‌الارکان دیده می‌شود. مانند وزن «مُتَفَاعِلُن فَعَلُن / متفاعِلن فَعَلن» از وزن «مستفَعَلن فَعَلُن / مستفَعَلن فَعَلُن» (امیر معزی، ۱۳۶۲):

چو بدین صفت گنری، به کرشمه لبر من      به بلا و غم سپری، دل غصّه پرور من  
(ادیب طوسی، ۱۳۴۱)

همین گونه است وزن «مستفعلن فعلاتن / مستفعلن فعلاتن» (بهبهانی، ۱۳۹۴) به جای «مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن» (صفای اصفهانی، ۱۳۳۷).

### ۵-۶. تلفیق

این شیوه به معنی تلفیق و همنشینی تازه و بی سابقه رکن‌ها است. در این شیوه رکن‌هایی کنار هم قرار می‌گیرند که در وزن‌های رایج همنشینی آن‌ها بی سابقه است و وزن حاصله شباهتی نیز به وزن‌های مشهور ندارد.

### ۵-۶-۱. اوزان متناوب الارکان

مانند «مفتعلاتن فعلاتن / مفتعلاتن فعلاتن»<sup>۱</sup>:

یلر منست او مریلش؛ جلن منست او مکشیلش      جرم نلدرد مزیلش؛ بی گهست او مگریلش  
(مولوی، ۱۳۸۶)

نیز «فاعلاتُ فع / فاعلاتُ فع / فاعلاتُ فع / فاعلاتُ فع» (یا «فاعلن فعل / فاعلن فعل / فاعلن فعل / فاعلن فعل»<sup>۲</sup>:

هر که را که بخت دیله می دهله در رخ تویتله می کد      هر که می کد و صف صورت، و صف آفریتله می کد  
(فروغی بسطامی، ۲۵۳۷)

همچنین وزن‌های «مفاعیلُ مفتعلاتن / مفاعیلُ مفتعلاتن» (خواجهی کرمانی، ۳۳۴)، «فاعلاتن مفاعلاتن / فاعلاتن مفاعلاتن» (همان: ۳۱۳)، «مفاعلن فعولن / مفاعلن فعولن» (مولوی، ۱۳۸۶)، «فاعلاتُ مفتعلاتن / فاعلاتُ مفتعلاتن» (بهبهانی، ۱۳۹۴)، «فاعلاتُ

۱- عدم رکن‌بندی آن به صورت «مفتعلن مفتعلن فع / مفتعلن مفتعلن فع» یا «مفتعلن مفتعلن / مفتعلن مفتعلاتن» به دلیل تفاوت سرب‌ها و ریتم است.

۲- این وزن را به «فاعلاتُتن فاعلاتُتن فاعلاتُتن» نیز می‌توان رکن‌بندی کرد، اما با توجه به کشیده بودن هجای «بخت» و وجود هجای کشیده در پایان نیم‌مصرع‌های برخی از دیگر ابیات، احتمالاً غزل با ریتمی با یک هجای بلند سکوت (:تن) بعد از هر دو رکن سروده شده است: «فاعلاتُ فع [تن] فاعلاتُ فع [تن] فاعلاتُ فع [تن] فاعلاتُ فع [تن]» (این رکن‌بندی، سرب‌ها را بهتر نشان می‌دهد).

مفاعلاتن / فاعلاتُ مفاعلاتن» (همان: ۹۹۱)، «مفاعِلْتَن فاعلاتُن / مفاعِلْتَن فاعلاتُن»، (همان: ۷۶۳ و ۱۱۳۴)، «مستفعلن مفاعِلْتَن / مستفعلن مفاعِلْتَن» (همان: ۵۳۲ و ۹۴۵)، «مستفعلتُن مفتعلن / مستفعلتُن مفتعلن» (همان: ۶۲۷)، «مستفعلاتُ مفتعلاتن / مستفعلاتُ مفتعلاتن» (همان: ۱۰۴۶)، «مُتَفَاعِلُن فَعَلِيَاتِن / متفاعِلن فعليَاتن» (همان: ۹۶۹) و «فاعلاتُ مفاعِلْتَن / فاعلاتُ مفاعِلْتَن» (همان: ۹۱۹).

### ۵-۶-۲. اوزان مختلف الاركان

#### ۵-۶-۲-۱. وزن مختلف الاركان دو ركنی

«مستفعلاتن مفاعلاتن»<sup>۱</sup>:

يك روز گیتی گذاشت باید؛ بی می نباید گذاشت ایام  
(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰)  
«مفتعلاتن مفاعلاتن»:

جَاه تَو آرد همی بلندی کار تَو آرد همی روایی  
(مسعود سعد، ۱۳۹۰)

#### ۵-۶-۲-۲. وزن مختلف الاركان سه ركنی

مانند وزن «مستفعلن مفاعِلْتَن، مفاعِلْتَن» (بهبهانی، ۱۳۹۴) (بنگرید به جدول پایانی) و نیز وزن «فاعلاتُن فاعلاتُن فاعلاتن» (الهی قمشه‌ای. ر.ک وحیدیان، ۱۳۸۹) و وزن «فاعلاتُ مفتعلن فعلن» (ادیب طوسی. ر.ک وحیدیان، ۱۳۸۹).

### ۵-۶-۳. اوزان متحد الاركان و متفق الاركان

نکته ۱: اوزان متحد الاركان حاصله از رکن‌های «مفاعِلْتَن»، «مفاعِلْتَن»، «فاعلاتُن»، «فاعلیاتن» (= فاعلاتاتن)، «مفاعِلَاتُن»، و «متفاعلاتن» و نیز اوزان متفق الاركانی را که بر پایه این رکن‌ها ساخته می‌شوند به‌خاطر «تلفیق و همنشینی تازه و بی‌سابقه رکن‌ها»، می‌توان ذیل شیوه «تلفیق» طبقه‌بندی و توصیف کرد.

۱- یا «مستفعلن / مفاعِلن فع» یا «فعلن فعولن / فعول فعلن»

نکته ۲: اوزان حاصله از تکرار رکن‌هایی مانند «مفتعلاتن»، «مستفعلاتن»، «مفاعلاتن»، «مفعولاتن»، «متفاعلاتن» و «فاعلیاتن» را نیز) که با دو هجای بلند پایان‌می‌پذیرند، می‌توان طبق شیوه «افزایش» (افزایش هجا به رکن‌های وزن متحدالارکان) توضیح داد، اما از آنجا که از تکرار کامل رکن‌هایی مانند «مستفعل»، «مفاعل»، «مفاعیل» و «فاعلات» وزن متحدالارکان پدید نمی‌آید، اوزان متحدالارکان و متفق‌الارکان حاصله از رکن‌های «مفاعِلْتَن»، «مفاعِلْتَن» و «فاعِلْتَن» را بهتر است با شیوه «تلفیق» توصیف کرد. مانند وزن «مفاعِلْتَن مفاعِلْتَن مفاعِلْتَن» (مختاری، ۱۳۹۰ در شعری فارسی)، «فاعِلْتَن / فاعِلْتَن» (اوحدی، ۱۳۴۰) و «فاعِلْتَن فاعِلْتَن فاعِلْتَن» (الهی قمشه‌ای. ر.ک. وحیدیان، ۱۳۸۹).

#### ۷-۵. ابداع

«ابداع»، ساخت وزن بر پایه رکنی تازه و ابداعی است که سابقه‌ای از کاررفت آن در اوزان رسمی شعر فارسی وجود نداشته باشد. رکن‌هایی وجود دارد که در شعر رسمی فارسی به کار نرفته‌اند؛ چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی از دایره «مؤتلفه» رکن «فاعِلْتَنک» (U U — U —) را نیز استخراج کرده است. تکرار این رکن می‌تواند وزن خوش‌آهنگ و البته بی‌سابقه‌ای را ایجاد کند. رکن‌های تازه و البته محدود دیگری را نیز می‌توان ساخت همانند «مُتفاعِلات» که وزن حاصله از تکرار آن البته به خاطر وجود سه هجای کوتاه متوالی مغایر با قواعد اوزان شعر رسمی فارسی است.

نمونه: وزن «مُتَفَعِلُن مُتَفَعِلُن مُتَفَعِلُن مُتَفَعِلُن»:

شکرک از آن دو بک تو بچنم اگر تو یله کی      به سرک تو که بزمت به پلدر اگر تو گله کی  
(منتسب به عنصری. شمس قیس، ۱۳۸۸)

#### ۸-۵. ترکیب

شیوه «ترکیب»، به معنی ترکیب شیوه‌های مختلف ساخت وزن است. با توجه به ماهیت ترکیبی این شیوه، اوزان متعددی می‌توان ساخت.

۵-۸-۱. «افزایش + تکرار»

چنانکه وزن جدید «مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن / مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن» (ایمان کرخی. وحیدیان، ۱۳۸۹) با افزودن رکن «مفتعلن» به وزن رایج «مفتعلن مفتعلن فاعلن» و تکرار وزن حاصله پدید آمده است (ر.ک جدول پایانی).

۵-۸-۲. «کاهش + تکرار»

۵-۸-۲-۱. «کاهش هجا + تکرار»

۵-۸-۲-۱-۱. «کاهش هجا از پایان وزن + تکرار»

مانند وزن «مفعول فاعلاتُ فَعولن / مفعول فاعلاتُ فَعولن» که از کاستن یک هجا از پایان وزن مشهور «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن» و تکرار آن ساخته شده است:

این سن که شب سیاهی خود را چون پلهای تیره به گردهم یک شاخه نور نیز ز خورشید راهی درین حصل نلارد  
(منزوی، ۱۳۸۹)

و یا «فع لن فع لن فع لن فع / فع لن فع لن فع لن فع»<sup>۱</sup> (بهبهانی، ۱۳۹۴) از وزن «فع لن فع لن فع لن فع لن» (مولوی، ۱۳۸۶) و نیز وزن «مستفعلن مستفعلن فع لن / مستفعلن مستفعلن فع لن» (منزوی، ۱۳۸۹) از وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن».

۵-۸-۲-۱-۲. «تکرار وزن + کاهش هجا از پایان لَختِ دوم»

ر.ک «اوزان مستزاد الارکان» ذیل ۴-۴-۱.

۵-۸-۲-۲. «کاهش رکن + تکرار»

مانند وزن «فعولن فعولن فعل / فعولن فعولن فعل» که از کاهش رکن «فعولن» از وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» و سپس تکرار آن پدید آمده است:

ز شب نخستگان یاد کن، شی آرمیدی اگر سلامی هم از ما رسان، به صبحی رسیدی اگر  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

۱- رکن بندی های «مفعولاتن مفعولن / مفعولاتن مفعولن» یا «مفعولن مفعولاتن / مفعولن مفعولاتن» از نظر سر ضرب ها مرجوح هستند.

نیز وزن «فاعلاتن مفتعلن فع / فاعلاتن مفتعلن فع» (همان: ۹۰۰) که از کاستن رکن «مفتعلن» از وزن «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع» و سپس تکرار آن به وجود آمده‌اند.

### ۵-۸-۳. «کاهش + افزایش»

مانند وزن «مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن»<sup>۱</sup> که از کاهش لخت دوم وزن «مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن» و سپس افزودن رکن «فعولن» پدید آمده است:

من بی تو امشب دلم شادمان نیست اینجا      بی من تو هر جا که هستی دلت شادامشب  
(منزوی، ۱۳۸۹)

همین گونه است دو وزن «مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن فعل»:

تقدیر تقویم خود را تملأ به خون می کشید      وقتی که رستم تهیگله سهراب رامی درید  
(همان: ۳۷۱)

و «مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن فعل»<sup>۲</sup> (همان: ۲۳).

۱- یا «فعلن فعولن فعولن فعولن فعولن». دوست موسیقی دان و عروضی ام، مهدی فیروزیان، این وزن را به «مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ فعلن» تقطیع کرده است (فیروزیان، ۱۳۹۰)، اما رکن بندی اخیر با وجود متفق الارکان بودن، ریتم و موسیقی حاکم بر سروده را به درستی منتقل نمی کند. نگارنده بر آن است که وزن این سروده اگر نگوئیم برگرفته، دست کم هم وزن با لخت هایی از این سروده اخوان ثالث است: «ای تکیه گاه و پناه / زیباترین لحظه های / تنهایی و خلوت من / ای شط شیرین پر شوکت من [...] در کوچه های مه آلود بس گفت و گوها [...] ای شط پر شوکت هر چه زیبایی پاک» (مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن فعولن / مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن / مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن). «مستفعلن فاعلاتن» را نیز می توان به صورت «مفعولُ مفعولُ فعلن» تقطیع کرد، اما بر پایه سروده مشهور «دل بردی از من به یغما ای ترک غارتگر من...» که تقطیع آن به صورت متناوب الارکان دورکنی «مستفعلن فاعلاتن / مستفعلن فاعلاتن» بر متناوب الارکان سه رکنی «مفعولُ مفعولُ فعلن / مفعولُ مفعولُ فعلن» راجح است، این وزن را نیز بدین صورت رکن بندی کردیم؛ ورنه واضح است که اگر وزنه های تازه را بی توجه به موسیقی و رابطه آنها با وزنه های گذشته بررسی کنیم، رکن بندی آن به صورت «مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ فعلن» مطابق بیشتری با انواع شناخته شده وزن های قدیم (متفق الارکان) دارد.

۲- یا «فعلن فعولن فعولن فعولن فعل» و «فعلن فعولن فعولن فعولن فعولن». این دو وزن را به ترتیب به صورت «مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ فعل» و «مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ فعلن» نیز رکن بندی کرده‌اند

۵-۸-۴. «افزایش + کاهش»

افزایش رکن در وزن متحدالارکان به همراه کاهش هجا از پایان رکنِ آخر؛ چنانکه پدید آمدن وزن «فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فع» را از وزن «فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن» (ابتهاج، ۱۳۷۸) می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

عطرزندگی تمام گوشه و کنار را گرفت      بادو چشم آهوانه از کنار آهوان که آمدی  
(منزوی، ۱۳۸۹)

۵-۸-۵. «تلفیق + تکرار»

مانند وزن «مستفعلن مفاعلتن فع / مستفعلن مفاعلتن فع» (بهبهانی، ۱۳۹۴).<sup>۱</sup>

۶. فرمول‌بندی وزن‌های شعر فارسی

فرمول‌های مندرج در جدول (۲) مربوط به وزن‌های بالفعل شعر فارسی هستند و می‌توان وزن‌های بالقوه جدیدی را نیز با توجه به این فرمول‌ها ساخت<sup>۲</sup> و حتی بر پایه تغییر ساختار وزن‌های موجود، به فرمول‌های دیگر تازه‌ای نیز دست یافت.

$M, Z, Y, X$  نشان‌دهنده رکن‌های «معیار» (مانند «فاعلاتن، مفاعیلن، مستفعلن، فعولن، فاعلن و ...) هستند.  $X$  و  $Y$  نشان‌دهنده رکن‌های «اشتقاقی» (مانند «فع، فعلن، فعل، فعولن-از مفاعیلن- و ....) هستند؛  $\bar{Y}$  نشانه رکنی اشتقاقی است که یک هجا به پایان آن اضافه شده است.  $\bar{X}$  و  $\bar{Y}$  نشانه رکن معیاری هستند که از افزودن یک هجای بلند به پایان رکن معیار دیگری پدید آمده‌اند (مانند «مفتعلاتن» از «مفتعلن»). رکن‌های  $\bar{X}$  و  $\bar{Y}$  را نیز به عنوان رکن معیار می‌توان با همان علائم  $Y, X$  مشخص کرد، اما این علائم به توصیف دقیق‌تر وزن‌ها کمک می‌کنند.

(فیروزیان، ۱۳۹۲). همانند وزن پیشین، با وجود «متفق‌الارکان» بودن رکن‌بندی‌های اخیر، رکن‌بندی‌ها به شیوه نگارنده، هم با وزن‌های مشهور قدیم تناسب بیشتری دارند و هم با موسیقی بیت‌های یادشده. چنانکه نمونه نخست، موسیقی شاهنامه و وزن «فعولن فعولن فعولن فعل» را نیز منتقل می‌کند؛ خاصه اینکه در بیت سخن از «رستم و سهراب» نیز هست و گویا خود منزوی در این سروده به شاهنامه توجه داشته است.

۱- این وزن را به صورت «مُسْتَفْعِلَاتُ مُفْتَعِلَاتُنْ / مُسْتَفْعِلَاتُ مُفْتَعِلَاتُنْ» نیز می‌توان رکن‌بندی کرد.

۲- برای دیدن ۲۰ وزن تازه که نگارنده ساخته است به جلالی (۱۳۹۸) رجوع شود.

روش رکن‌بندی در اینجا مبتنی بر «حفظ تقارن حداکثری» میان ارکان؛ یعنی ترجیح متحدالارکان بر متناوب‌الارکان و این دو بر مختلف‌الارکان و ترجیح رکن‌بندی به صورت مربع و مثنی بر مسدس، بوده است؛ البته مشروط به تناسب با سبک‌های موسیقایی و ریتم وزن که بر همه این پیش‌شرط‌ها اولویت دارد.

جدول ۲. فرمول‌بندی وزن‌های شعر فارسی

وزن‌های متحدالارکان			
نمونه شعری	مثال وزنی	فرمول	
من همیشه مستمندم / وز غم عشقت نژندم (المعجم)	فاعلاتن فاعلاتن	X X	دورکنی
گل بهاری بت تباری / نیند داری چرا نیاری؟ (رودکی)	مفاعلاتن مفاعلاتن (مفاعلاتن = مفاعلن + فع)	Ẋ Ẋ	
روز رنگ سبزه افسرده دارد / بوی پرچین‌های باران خورده دارد (حسین منزوی)	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	X X X	سه رکنی
ز دور گردون نصیب ما نیست سربلندی / مگر نسیمی غبار ما را برد به بالا (الهی قمشه‌ای)	مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن	Ẋ Ẋ Ẋ	
چشم به راهم که مرا از تو پیامی برسد / وز می وصل تو لبم بر لب جامی برسد (خاقانی)	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	X X X X	چهاررکنی
آینه‌ام من آینه‌ام من تا که بدیدم روی چو ماهش / چشم جهانم چشم جهانم تا که بدیدم چشم سیاهش (مولوی)	مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن	Ẋ Ẋ Ẋ Ẋ	
من آن مایه ناز را می‌شناسم تو بودی / بس آن شوخ طنز را می‌شناسم تو بودی (پژمان بختیاری)	فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن	X X X X X	پنج رکنی
فرود آمدم از بهشت درین باغ ویران خدایا / فرود آمدم تا نباشم جدا زین اسیران خدایا (حسین منزوی)	فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن	X X X X X X	شش رکنی
چه بُود سرو کار غلط سبقان در علم و عمل به فسانه زدن / ز غرور دلایل بی‌خردی همه تیر خطا به نشانه زدن (بیدل)	فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن فعلن	X X X X X X X X	هشت رکنی



وزن‌های متفق‌الارکان			
نمونه شعری	مثال وزنی	فرمول	
یک ره ای بیدادگر / لطف کن در ما نگر (معیارالشعار)	فاعلاتن فاعلن	xX	دورکنی
ما ز یاران چشم یاری داشتیم / خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم (حافظ)	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	xXX	سه‌رکنی
دیگر برای دم‌زدن از عشق، باید زبانی دیگر اندیشید / باید کلام دیگری پرداخت، باید بیانی دیگر اندیشید (حسین منزوی)	مستفعلن مستفعلن فع‌لن / مستفعلن مستفعلن فع‌لن	xXX/xXX	سه‌رکنی مکرر
واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند / چون به خلوت می‌روند، آن کار دیگر می‌کنند (حافظ)	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	xXXX	چهاررکنی
رنگ سلام تو غریبانه‌ترین شعر را، گرم به یک شعر صمیمانه بدل می‌کند / بوی نگاه عسلی‌رنگ تو این بیت را باز چه زندانه مبدل به غزل می‌کند (ایمان کرخی)	مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن / مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن	xXXX/xXXX	چهاررکنی مکرر
دست و رو در آب جو ترکردنم گیرم ز ناچارست / من بخوام یا نخوام، جویبار زندگی جاریست (حسین منزوی)	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع	xXXXX	پنج‌رکنی
خنده‌های مرا مثل رؤیا به همراه بردند / لحظه‌هایی که تنهایی ام را به همراه بردند (کاکایی)	فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن فع	xXXXXX	شش‌رکنی

ادامه جدول ۲.

وزن‌های متناوب‌الارکان			
نمونه شعری	مثال وزنی	فرمول	
همی نالم به دردا، همی نالم به زارا/ که ماندم دور و مهجور، من از یار و دیارا (ملک‌الشعراى بهار)	مفاعیلن فعولن [: مفاعی]/ مفاعیلن فعولن	xX/xX	دورکنی با یکبار تناوب
ای شب زلفت غالیه ساوی مه رویت غالیه پوش / نرگس مست باده پرست، لعلِ خموش باده فروش (خواجو)	مفتعلاتن مفتعلن / مفتعلاتن مفتعلن	XḪ / XḪ	
اسب می نالید می لرزید... سرفه‌ها اسفنج و خون می شد/ هر نفس بر لب چو می آمد از جگر لختی برون می شد (سیمین بهبهانی)	فاعلاتن فاعلیاتن / فاعلاتن فاعلیاتن	ḪX / ḪX	
همه هست آرزویم که بینم از توری / چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی (فصیح‌الزمان رضوانی)	فعلاتُ فاعلاتن / فعلاتُ فاعلاتن	YX/YX	
چه سرنوشت غم‌انگیزی که کرم کوچک ابریشم / تمام عمر قفس می‌بافت ولی به فکر پریدن بود (حسین منزوی)	مفاعلن فعلیاتن / مفاعلن فعلیاتن	ḪX/ḪX	
گیرم که پریدم من، ای شاخه شمشاد از تو/ تو سروی و من سایه، مشکل شوم آزاد از تو (شهریار)	مفعولُ مفاعیلن / مفعولُ مفاعیلاتن	ḪX/YX	
اگر کسی شبِ سرما به ابرها زد و گم شد، مرا به یاد بیارید/ و با ستاره چشمم برای راه‌بلد‌ها نشانه‌ای بگذارید (حسین صفا)	مفاعلن فعلاتن / مفاعلن فعلاتن/ مفاعلن فعلاتن	YX/YX/YX	دورکنی با دوبار تناوب
هرکه را که بخت دیده می‌دهد، در رخ تو بیننده می‌کند/ وانکه می‌کند سیر صورتت، وصف آفریننده می‌کند (فروغی بسطامی)	فاعلن فعل / فاعلن فعل / فاعلن فعل / فاعلن فعل (فاعلاتُ فع / فاعلاتُ فع / فاعلاتُ فع / فاعلاتُ فع) <sup>۱</sup>	yX/yX/yX/yX	دورکنی با سه‌بار تناوب

وزن‌های متشابه‌الارکان			
نمونهٔ شعری	مثال وزنی	فرمول	
پیشهٔ این چرخ چیست؟ مفتعلی / نایدش از خلق شرم و نی خجلی (ناصر خسرو)	مفتعلن فاعلاتْ مفتعلن	XYX	سه رکنی
تو و طوبی و ما و قامت یار / فکر هرکس به قدر همت اوست (حافظ)	فعلاتن مفاعن فعلن	xYX	
کاش چشمت نظر به این قلب در غم از پای اوفتاده کند / رحمی از روی مهربانی خود بر من مات صاف ساده کند (حسن باقری)	فعلاتن مفاعن فعلن / فعلاتن مفاعن فعلن	xYX/xYX	سه رکنی مکرر
اول دفتر به نام ایزد دانا / صانع پروردگار حی توانا (سعدی)	مفتعلن فاعلاتْ مفتعلن فع	yXYX	چهار رکنی
چه چشمهایی داری تو، چه چشمهایی داری / زلال مستی می جوشد، درونشان پنداری (حسین منزوی)	مفاعلاتن مفعولن مفاعلاتن فعلن	yX̄YX̄	
سخت به جوشی دلا؛ نرم‌ترک باش / باش که تا گل کند بوتهٔ خشخاش (سیمین بهبهانی)	مفتعلن فاعلن مفتعلن فع	ȳXYX	
با نخل‌های سترون، با تاک‌های عقیم / جز غمگانه چه گوید، نجوای نور و نسیم (سیمین بهبهانی)	مستفعلن فعلاتن مستفعلن فعلن	YXȳX	
پنجره‌هایی بزرگ بال‌زنان خیس، بر تن دیوارهای شهر نشستند / چند گل سرخ و چند دست مه‌آلود، پنجره‌ها را گره زدند و بستند (محمدسعید میرزایی)	مفتعلن فاعلاتْ مفتعلن فع / مفتعلن فاعلاتْ مفتعلن فع	yXYX/yXYX	چهار رکنی مکرر

ادامه جدول ۲.

وزن‌های مختلف‌الارکان			
نمونه شعری	مثال وزنی	فرمول	
سال سروشِ دبدبه / سال فروشِ کیکبه (الهیاری)	مفتعلن مفاعِلن	YX	دورکنی
تیر از کمان به من اندازد / عشق از کمین چو برون تازد (اوحدی)	مستفعلن فعلیّاتن	ŸX	
ای به تو برپای شهریار / وی ز تو برجای شهرپایی (مسعود سعد)	مفتعلاتن مفاعلاتن	ŸX̄	
پیچان درختی نام او نارون / چون سرو زرین پُر عقیقِ یمن (فرخنی سیستانی)	مستفعلن مستفعلن فاعِلن	YXX	سه رکنی
نیلوفری چو آتشِ سرخ، به دامن باغ / پا تا به سر کشاکشِ سرخ، شراره و دود (سیمین بهبهانی)	مستفعلن مفاعِلتن، مفاعِلتن	YYX	
تا مرد خر و کور و کر نباشد / از کار جهان بی‌خبر نباشد (ناصر خسرو)	مفعولُ مفاعیلُ فاعلاتن	ZYX	
در سیاهی شَبِ نومیدان، یک چراغ ساده نمی‌بینم / ماه ایستاده به بامی نه، شمع اوفتاده نمی‌بینم (سیمین بهبهانی)	فاعلاتن مفتعلن فعلن / فاعلاتن مفتعلن فعلن	ZYX / ZYX	سه رکنی مکرر
در من کسی باز یاد تو افتاد امشب / بانگی تو را از درونم صلا داد امشب (حسین منزوی)	مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن <sup>۱</sup>	ZZYX	چهاررکنی
ای گیسوان رهای تو از آبشاران رهاتر / چشمانت از چشمه‌ساران صافِ سحر باصفا تر (حسین منزوی)	مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن فعولن	ZZZYX	پنج رکنی
تقدیر تقویم خود را تماماً به خون می‌کنید / وقتی که رستم تهیگاه سهراب را می‌درید (حسین منزوی)	مستفعلن فاعلاتن فعولن فعولن فعل	zZZYX	

۱-ر.ک ذیل بند ۵-۸-۳ و حواشی آن.

وزن‌های مُستزادالارکان			
نمونه شعری	مثال وزنی	فرمول	
این شاخه‌های خشک زمستانی، این دست‌های سرد/ ای دوست، جز تجسم عریانی، سویت چه هدیه کرد؟ (سیمین بهبهانی)	مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلنُ    مفعولُ فاعلن	yXlZYX	پنج‌رکنی
پای در چشمه بر تخته‌سنگی خسته‌واری/ خلوتی بی تو دارد پر از خویش، بی تو آری (سیمین بهبهانی)	فاعلن فاعلن فاعلن فع    فاعلن فع	xXlxxx	شش‌رکنی

### بحث و نتیجه‌گیری

بازنگری در ساختمان اوزان بالفعل، تلقی ما را نسبت به انواع وزن‌ها و مصادیق آن‌ها تغییر می‌دهد؛ همانند اوزان مختلف‌الارکان دورکنی، اوزان متناوب‌الارکان با سه‌بار تناوب و نیز اوزان تازه متحدالارکان، متفق‌الارکان و متشابه‌الارکانی که از تکرار کامل یک وزن پدید آمده‌اند. از آنجا که طبقات پنج‌گانه وزن‌ها و تعاریف گذشته، نمی‌تواند تمامی اوزان بالفعل را ذیل خود بگنجانند، «وزن مُستزادالارکان» به‌عنوان ششمین نوع از اوزان شعر فارسی معرفی و وزن مختلف‌الارکان بازتعریف شد.

در دستگاه زبانی وزن شعر فارسی اگر وزن‌های مشهور و رایج در هر دوره را ملاک قرار دهیم در مقایسه با این وزن‌ها می‌توان گفت که وزن‌های تازه عروضی دارای ساختارهای مشترکی هستند و در هر دوره بر پایه یا به قیاس همان وزن‌های مشهور قبل از خود و به هشت شیوه ساخته شده‌اند: ۱- کاهش، ۲- افزایش، ۳- تکرار، ۴- جابه‌جایی، ۵- تغییر، ۶- تلفیق، ۷- ابداع و ۸- ترکیب.

در بخش دوم مقاله با فرمول‌بندی مصادیق انواع شش‌گانه وزن‌ها، دیدیم که طی نگاهی ساختارگرایانه با گذر از ظواهر متنوع وزنی (به مثابه parole) می‌توان به ساختارهای مشترک و محدود حاکم بر نظام وزنی در شعر فارسی (به مثابه langue) دست یافت. برای نمونه این دو وزن تازه‌ساخت هر دو بر پایه یک فرمول واحد (X $\bar{X}$ ) پدید آمده‌اند:

ای شب زلفت غایه‌سا، وی مه رویت غایه‌پوش  
نرگس مست بادپرست، لعل خموشت باده‌فروش  
(خواجه‌ی کرمانی، ۲۸۰)

دوباره می‌سازم وطن، اگرچه با خشت جان خویش  
ستون به سقف تو می‌زنم، اگرچه با استخوان خویش  
(بهبهانی، ۱۳۹۴)

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Mohammadmir Jalali



<https://orcid.org/0000-0003-0833-7815>

### منابع

ابتهاج، هوشنگ. (۱۳۷۸). سیاه مشق (شامل سیاه‌مشق ۱، ۲، ۳، ۴، و ۸ شعر جدید). تهران: کارنامه.

اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۶). *تراوی کهن بوم و بر دوست دارم*. چ پنجم. تهران: مروارید.

ادیب طوسی. (۱۳۴۱). *دیوان ادیب طوسی*. به کوشش مهریار طاووسی. تهران: ابن سینا.

الهیاری، امیر حسین. (۱۳۹۴). *پری خوانی: مجموعه غزل*. با مقدمه بهاء‌الدین خرمشاهی. چ دوم. تهران: قطره.

الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۶۶). *دیوان اشعار محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای*. تهران: برادران علمی.

امیر معزی، امیرالشعرا محمد بن عبدالملک نیشابوری. (۱۳۶۲). *کلیات دیوان معزی*. به تصحیح ناصر هیری. تهران: مرزبان.

اوحدی مراغی، اوحدالدین بن حسین. (۱۳۴۰). *کلیات اوحدی اصفهانی معروف به مراغی* (دیوان، منطق‌العشاق، جام جم). به تصحیح سعید نفیسی. تهران: امیر کبیر.

بهار، محمد تقی. (۱۳۸۷). *دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار*. تهران: نگاه.

بهبهانی، سیمین. (۱۳۹۵). *مجموعه اشعار سیمین بهبهانی*. چ نهم. تهران: نگاه.

بیدل دهلوی، عبدالقادر. (۱۳۶۶). *کلیات دیوان مولانا بیدل دهلوی*. با تصحیح خال محمد خسته و خلیل‌الله خلیلی. به اهتمام حسین آهی. تهران: فروغی.

جلالی، محمدمیر. (۱۳۹۶). *نگاهی توصیفی - تحلیلی به عروض و قافیۀ شعر پارسی*. تهران: علمی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۸). «بחי در چگونگی ساخت اوزان تازه عروضی». جشن‌نامه دکتر سیروس شمیسا. به کوشش یاسر دلوند. تهران: کتاب سده.

حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۷). *دیوان حافظ*. به تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی. به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار. چ ششم. تهران: اساطیر.

خاقانی، بدیل‌بن علی. (۱۳۷۵). *دیوان خاقانی*. ویراسته دکتر میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز خواجه نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. (۱۳۹۳). *معیارالشعار*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات از علی اصغر قهرمانی مقبل. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

خواجه کرمانی، ابوالعطا کمال‌الدین محمود. (بی‌تا). *دیوان اشعار*. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. چاپخانه حیدری.

رودکی، ابوعبدالله جعفر بن محمد. (۱۳۸۷). *دیوان اشعار*. به اهتمام رسول هادی‌زاده و علی محمدی خراسانی. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی سفارت جمهوری اسلامی ایران.

شمس قیس، شمس‌الدین محمد بن قیس رازی. (۱۳۸۸). *المعجم فی معایر اشعار العجم*. به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی و تصحیح مجدد سیروس شمیسا. تهران: علم.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). «اوزان تازه و نادر در دیوان خواجه». فصلنامه متن‌پژوهی ادبی، د اول، ش ۲، ۱۱-۱.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴). *آشنایی با عروض و قافیه*. چ پنجم. تهران: میترا.

شهریار، محمد حسین. (۱۳۷۶). *دیوان شهریار*. چ هجدهم. تهران: زرین.

صفا، حسین. (۱۳۹۳). *وصیت و صبحانه*. تهران: نشر نیماژ.

صفا، اصفهانی، محمد حسین. (۱۳۳۷). *دیوان اشعار حکیم صفای اصفهانی*. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: شرکت حاج محمد حسین اقبال و شرکاء.

عماد خراسانی. (۱۳۷۵). *دیوان عماد خراسانی*. تهران: نشر علم.

فرخی سیستانی. (۱۳۸۰). *دیوان حکیم فرخی سیستانی*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. چ ششم. تهران: زوآر.

فرزاد، مسعود. (۱۳۴۹ الف). *مجموعه اوزان شعری فارسی*. مجله خرد و کوشش، د دوم، دفتر چهارم. ۵۸۴-۶۵۱.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۹ب). عروض رودکی. مجله خرد و کوشش، د دوم. دفتر سوم. ۴۶۵-۴۹۸.
- فروغی بسطامی. (۲۵۳۷). دیوان کامل فروغی بسطامی. مقدمه از سعید نفیسی. با تعلیقات م. درویش. تهران: انتشارات جاویدان.
- فیروزیان، مهدی. (۱۳۹۰). از ترانه و تندر: زندگی، نقد و تحلیل اشعار حسین منزوی. تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). بررسی عروضی غزل‌های منزوی. نامه فرهنگستان. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی صص ۷۵-۱۰۶.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر. (۱۳۸۹). ارکان عروضی (بررسی یک مشکل تاریخی در علم عروض فارسی). تهران: نیلوفر.
- مختاری غزنوی، عثمان بن عمر. (۱۳۹۱). دیوان عثمان مختاری. به اهتمام جلال‌الدین همایی. چ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعود سعد سلمان. (۱۳۹۰). دیوان مسعود سعد سلمان. به تصحیح محمد مهیار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منزوی، حسین. (۱۳۸۹). مجموعه اشعار. به کوشش حسین فتحی. تهران: نگاه و آفرینش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). از شوکران و شکر. تهران: آفرینش.
- منوچهری دامغانی. (۱۳۳۸). دیوان استاد منوچهری دامغانی. به کوشش محمد دبیرسیاقی. چ دوم. تهران: زوآر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۶). دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی، نسخه قونیه. توضیحات، فهرست و کشف‌الابیات توفیق سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- میرزا حبیب خراسانی، حبیب الله. (۱۳۵۳). دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی. به اهتمام علی حبیب. چ سوم. تهران: زوآر.
- نادرپور، نادر. (۱۳۶۰). صبح دروغین. پاریس: نهضت مقاومت ملی ایران.
- ناصر خسرو، ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی (۱۳۶۸). دیوان ناصر خسرو. به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی، ابوالحسن. (۱۳۹۴ الف). «اختیارات شاعری». اختیارات شاعری و مقاله‌های دیگر در عروض فارسی. تهران: نیلوفر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ب). درباره طبعه‌بندی وزن‌های شعر فارسی. تهران: نیلوفر
- نیما یوشیج. (۱۳۶۴). مجموعه آثار نیما یوشیج (دفتر اول شعر). به کوشش سیروس طاهباز. با نظارت شراگیم یوشیج. تهران: نشر ناشر



وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۹). *فرهنگ اوزان شعر فارسی، فرهنگ اوزان صد شاعر بزرگ فارسی زبان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

## References

- Adib Tusi. (1962). *Diwan Adib Tusi*. By the efforts of Mehryar Tavousi. Tehran: Ibn Sina. [In Persian]
- Akhavan Sales, M. (1997). *To ra ey kohan bumo bar dust dalam* (5nd ed.). Tehran: Morvarid. [In Persian]
- Allahyari, A. H. (2015). *Pari khani: Ghazal collection*. Introduced by Bah'uddin Khorramshahi (2nd ed.). Tehran: Qatre. [In Persian]
- Amir Moezzi, Amir al-Sho'ra Muhammad ibn Abdul Malik Neyshabouri. (1983). *Divan of Moezzi*. Edited by Nasser Hiri. Tehran: Marzban. [In Persian]
- Awhadi Maraghai. (1961). *Divan of Awhadi Isfahani known as Maraghi (Diwan, Mantigh al- ushshagh, Jam-e- Jam)*. Edited by Saeed Nafisi. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Bahar, M. T. (2008). *The Poetry Divan of the Malek –al- Shoara Bahar*. Tehran: Negah. [In Persian]
- Behbahani, S. (2016). *Collection of poems by Simin Behbahani*. (9nd ed.). Tehran: Negah. [In Persian]
- Bidel Dehlavi, A. Q. (1987). *Divan of Mawlana Bidel Dehlavi*. Corrected by Khal Mohammad Khasteh and Khalilullah Khalili. By the effort of Hossein Ahi. Tehran: Foroughi. [In Persian]
- Ebtehaj, H. (1999). *Siah mashgh* (including Siah mashgh 1, 2, 3, 4, and 8 new poems). Tehran: Karnameh. [In Persian]
- Elahi Ghoshei, M. (1987). *Diwan's Poems by Mohyeddin Mehdi Elahi Ghomshei*. Tehran: Elmi Brothers. [In Persian]
- Emad Khorasani. (1996). *Diwan Emad Khorasani*. Tehran: Elm Publishing. [In Persian]
- Farrokhi Sistani. (2001). *Divan Hakim Farrokhi Sistani*. By the efforts of Mohammad Dabirsiyaghi. (6nd ed.). Tehran: Zavar. [In Persian]
- Farzad, M. (1970a). Collection of Persian Poetry meters. *Journal of Kherad va Kushesh*. The second period. Fourth vol. Pp. 651-584. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (1970b). Rudaki Prosody. *Journal of Kherad va Kushesh*. The second period. Third vol. Pp. 498-465. [In Persian]
- Firoozian, M. (2011). Prosodic study of Monzavi lyric poems. *Name –e- Farhangestan*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature, pp. 75-106. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2011). *Az taraneh va Tondar: Life, critique and analysis of Hossein Monzavi's poems*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Foroughi Bastami. (1978). *The complete divan of Foroughi Bastami*. Introduction by Saeed Nafisi. With comments m. Darvish. Tehran: Javidan Publications. [In Persian]

- Ghahremani Moqbel, A. A. (2019). *Prosodic bases (Study of a Historical Problem in Persian Prosody)*. Tehran: Niloufar. [In Persian]
- Hafiz, Kh. Sh. M. (1998). *Divan-e-Hafez*. Edited by Allameh Qazvini and Dr. Qasem Ghani. (6nd ed.). By the efforts of Abdul Karim Jorbozehdar. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Jalali, M. A. (2017). *A descriptive-analytical look at the prosody and rhyme of Persian poetry*. Tehran: Elmi. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2017). A discussion on how to make new prosody Meter. *Book of Celebration of Dr. Sirus Shamisa*. By the efforts of Yasser Dalvand. Tehran: Ketab –e- Sadeh. Pp. 217- 259. [In Persian]
- Khaju Kermani, Abul-Ata Kamaluddin Mahmoud. *Divan of poems*. By Ahmad Soheili Khansari. Heydari Printing House. [In Persian]
- Khaqani, B.i A. (1996). *Divan of Khaqani*. Edited by Dr. Mirjalaluddin Kazzazi. 2 volums. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Khwaja Nasir al-Din al-Tusi, Muhammad ibn Muhammad. (2014). *Me'yar –al- 'ash'ar*. Introduction, correction and comments by Ali Asghar Ghahremani Moqbel. Tehran: Markaz –e- Nashr \_e- Daneshgahi. [In Persian]
- Manouchehri Damghani. (1959). *Divan of Master Manouchehri Damghani*. By the efforts of Mohammad Dabirsiyaghi. (2nd ed.). Tehran: Zavvar. [In Persian]
- Manzavi, H. (2006). *Az Showkaran va Shekar*. Tehran: Afarinesh. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2010). *Collected Poems*. By the efforts of Hossein Fathi. Tehran: Negah va Afarinesh. [In Persian]
- Masoud Saad Salman. (2011). *Diwan of Massoud Saad Salman*. Edited by Mohammad Mahyar. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Mirza Habib Khorasani. (1974). *Divan of Haj Mirza Habib Khorasani*. By Ali Habib. (3nd ed.). Tehran: Zavvar. [In Persian]
- Mokhtari Ghaznavi, O.i O. (2012). *Diwan of Osman Mokhtari*. By the efforts of Jalaluddin Homayi. (3nd ed.). Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Naderpour, N. (1981). *Sobhe Doruqin*. Paris: National Resistance Movement of Iran. [In Persian]
- Najafi, Abu al-Hassan. (2015a). "Poetic Authorities". *Poetic Authorities and other articles in Persian prosody*. Tehran: Niloufar. [In Persian]
- Najafi, Abu al-Hassan. (2015b) *on the classification of Persian poetry meters*. Tehran: Niloufar. [In Persian]
- Nasir Kusraw. (1989). *Divan of Nasir Kusraw*. Edited by Mojtaba Minavi and Mehdi Mohaghegh. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Nima Youshij. (1985). *Collection of Nimayoshij's works (the first book of poetry)*. By the efforts of Sirus Tahabaz. Supervised by Shragim Yoshij. Tehran: Nasher Publishing. [In Persian]

- Rudaki, Abu Abdullah Ja'far ibn Muhammad. (2008). *Divan of poems*. By Rasoul Hadi Zadeh and Ali Mohammadi Khorasani. Dushanbe: Tajik Persian Culture Research Institute, Embassy of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- Rumi, Jalaluddin Muhammad ibn Muhammad. (2007). *Great Divan*, Generalities of Shams Tabrizi, manuscript of Konya. Description, list and discovery of Tawfiq Sobhani. 2 volumes. Tehran: Association of Cultural Works and Honors. [In Persian]
- Safa Isfahani. (1958). *Hakim Safa Isfahani Poetry Divan*. Edited by Ahmad Soheili Khansari. Tehran: Haj Mohammad Hossein Eghbal and Partners Company. [In Persian]
- Safa, H. (2014). *Vasiyyat va Sobhane*. Tehran: Nimaj Publishing. [In Persian]
- Shahriar, Mohammad Hussein. (1997). *Divan of Shariar*. (18th ed.). 3 volumes. Tehran: Zarrin. [In Persian]
- Shamisa, S. (1997). New and rare meter in Divan of Khaju. *Literary Text Research*. Volume 1. Number 2. Summer 1997. Tehran: Allameh Tabataba'i University. pp. 1-11. [In Persian]
- \_\_\_\_\_. (2018). *Familiarity with Prosody and rhymes*. (5th ed. of the fourth edition). Tehran: Mitra. [In Persian]
- Shams Qais, Shams al-Din Muhammad ibn Qais Razi. (2009). *A l-mu'jam fi ma'ayri ashar -al- 'ajam*. Corrected by Mohammad Ibn Abdul Wahab Qazvini and re-corrected by Modarres Razavi and re-corrected by Sirius Shamisa. Tehran: Elmi. [In Persian]
- Vahidian Kamyar, T. (2010). *Dictionary of Persian Poetry meters, Dictionary of meters of One Hundred Great Persian Poets*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]